



شهردار تبریز:

اتوبان ۷ کیلومتری ولایت

تا سه ماه آینده

به کرکج می‌رسد

در صفحه ۸

دوشنبه ۱۹ مرداد ماه ۱۴۰۵ سال بیستم شماره ۳۶۰۳ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

گزارش

نیم تگاهی به کتاب «دونه‌ها؛ یا

مسلمان شدگان سالونیک»؛

«دونه‌ها» و نقش آنها در

ایجاد «پان‌ترکیسم»

طرح نو؛ سردبیر

کتاب «مسلمان شدگان سالونیک؛ از یهود برگشتگان، مسلمانان انقلابی و...» از زبان ترکی استانبولی به زبان فارسی برگردانده شده است. نویسنده این کتاب «مارک دیوید بئر» استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا است که به خوبی توانسته فعالیت و نقش یهودیان و مسلمان‌شدگان یهودی را از قرن هفدهم در امپراتوری عثمانی و در باب ایجاد جمهوری ترکیه تا نیمه اول قرن بیستم روایت کند. این کتاب توسط (مرحوم) کاظم آذری سیسی به زبان فارسی ترجمه شده است. مقاله‌ی زیر با کمک از این کتاب و برخی دیگر از منابع به رشته‌ی تحریر درآمده است.

پیشینه‌ای کوتاه از دونه‌ها

دونه به زبان ترکی به یهودیانی گفته می‌شود که در طول تاریخ به ویژه از قرن هفدهم به اسلام گرویدند. گروه دونه‌های سالونیک در امپراتوری عثمانی در گذر از امپراتوری به جمهوریّت و در انقلاب مشروطیت سال ۱۹۰۸ ترکیه با ایجاد کمیته‌ای به نام اتحاد و ترقی نقش مؤثری در اضمحلال و تلاشی شدن امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۸ داشتند.

آرتور کستلر مورخ که خود یهودی است حقایق و مدارکی را درباره یهودیان خزری جمع‌آوری کرده است. او به روشنی اثبات می‌کند که تقریباً نود درصد یهودیان اروپا و آمریکا از تبار یهودیان خزری می‌باشند و ربطی به اسباط دوازده‌گانه اسرائیل و قوم موسی و فلسطین ندارند و تصادفاً همین دسته از یهودیانی هستند که.....

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۲

در باب مفهوم وحدت در کثرت ایرانی؛

راز ماندگاری یک ملت کهن در

دل چندصدایی فرهنگی

طرح نو؛ سردبیر

هویت ملی ایرانی، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان که فرآورده‌های متأخر عصر مدرن و محصول مرکزکشی‌های سیاسی سده‌های اخیرند، شالوده‌ای بس کهن دارد. این شالوده، نه از یک واقعه، انقلاب یا قرارداد تاریخی، که از تجربه‌ی چند هزارساله‌ی هم‌زیستی، تمدن‌سازی و تعامل اقوام و فرهنگ‌های گوناگون برخاسته است. در همین جاست که تفاوت بنیادین ایران با «ملت‌های مدرن» عیان می‌شود. و آن این که ایران به‌جای اینکه از بیرون و بر اساس یک منافع لحظه‌ای ساخته شود، از درون و بر پایه‌ی یک روح مشترک تاریخی شکل گرفته است. نکته‌ی محوری در این هویت، نسبت آن با کثرت‌هاست. ایران در طول تاریخ نه نفی‌کننده‌ی تفاوت‌های درونی خود، بلکه نگه‌دارنده و هم‌زمان سامان‌دهنده‌ی آن‌ها بوده است. زیرمجموعه‌های متنوع زبانی، فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی، هرگز به‌مثابه اجزای بیگانه یا حذف‌شدنی دیده نشده‌اند؛ بلکه

گزارش

۶

از بحران هویت مردانه تا تزلزل خانواده؛

وقتی زندگی واقعی به

«ویتترین» مجازی می‌بازد

گزارش

۱

دولت و ضرورتی

به نام ساماندهی

حکمرانی فضای مجازی

ژولزه در آستانه‌ی لیگ برتر در تبریز؛

«ربیعی» رفت؛

«نکونام» سرمربی تراکتور شد

در صفحه ۳



دولت و ضرورتی به نام ساماندهی حکمرانی فضای مجازی

نباید به نخستین و عمومی‌ترین ابزار مدیریت فضای مجازی تبدیل شود بلکه به جای مسدودسازی گسترده، باید روی تنظیم‌گری، برخورد هدفمند با تخلفات، مسئولیت‌پذیری سکوها و حفظ دسترسی عمومی تأکید داشت.

«دسترسی ضابطه‌مند» به جای فیلترینگ گسترده

یکی دیگر از رویکردهای دولت چهاردهم که در ستاد ساماندهی و راهبری فضای مجازی نیز مورد توجه قرار گرفته، این است که دولت چهاردهم در پی آن است که موضوع فیلترینگ را از یک تصمیم مقطعی و کلی به بخشی از یک نظام تنظیم‌گری تبدیل کند و در این چارچوب، «دسترسی ضابطه‌مند» یکی از کلیدواژه‌های مطرح‌شده در این ستاد است که در آن اصل دسترسی به اینترنت پذیرفته می‌شود اما برای مقابله با تهدیدهای امنیتی، محتوای مجرمانه و تخلفات، سازوکارهای مشخص و هدفمند در نظر گرفته می‌شود.

این رویکرد البته به معنای حذف کامل محدودیت‌ها نیست، بلکه بر تناسب میان نوع تهدید و نوع محدودیت تأکید دارد؛ به این معنا که وجود یک تهدید مشخص نباید الزاماً به محدودسازی یک بستر ارتباطی برای میلیون‌ها کاربر منجر شود.

اینترنت و آزمون دشوار دولت

اکنون پس از دو سال از تشکیل دولت چهاردهم، مسیر حکمرانی در حوزه اینترنت روشن تر از گذشته شده است و هرچند مسئله حکمرانی فضای مجازی همچنان میان چندین نهاد و دستگاه تقسیم شده است و از یک سو، شورای عالی فضای مجازی مسئول سیاست‌گذاری کلان این حوزه است و از سوی دیگر، دستگاه‌های اجرایی، قضایی و امنیتی هر یک وظایف و اختیارات مشخصی دارند اما به نظر می‌رسد همگی به این نقطه رسیده‌اند که تنها راه دستیابی به اهداف ایجاد هماهنگی میان همه مجموعه‌های دخیل در حوزه فضای مجازی است.

با گذشت حدود سه ماه از آغاز فعالیت این ستاد، می‌توان آن را می‌توان تلاشی برای فعال‌تر شدن دولت در حکمرانی اینترنت، کاهش موازی‌کاری، هماهنگ‌سازی دستگاه‌ها و حرکت از فیلترینگ فراگیر به سمت تنظیم‌گری و محدودیت‌های هدفمند دانست که انتظار می‌رود هماهنگی‌ها را از بدنه دولت فراتر ببرد و به هماهنگی میان نهادها و ارکان تصمیم‌گیر برسد تا مسیر روشنی برای کاربران فضای مجازی ترسیم شود. / ایرنا



جامعه و به‌ویژه فعالان اقتصادی، علمی و فناوری دانسته است زیرا به باور وی اینترنت دیگر فقط یک ابزار ارتباطی نیست و با فعالیت اقتصادی، آموزش، پژوهش، کسب‌وکارهای دیجیتال و توسعه فناوری ارتباط مستقیم دارد و به همین دلیل تصمیم‌گیری درباره آن نیازمند توجه همزمان به ملاحظات امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و علمی است.

عارف که در دولت هفتم وزیر پست و تلگراف و تلفن بوده و دانش آموخته و استاد حوزه ارتباطات به شمار می‌رود، نسبت به اعمال فیلترینگ و محدودیت‌های گسترده در حوزه فضای مجازی نیز انتقاد دارد و بر این باور است که تخلف یا سوءاستفاده برخی کاربران نباید به محدودیت عمومی برای همه کاربران منجر شود. وی در یکی از جلسات ستاد با تشبیه اینترنت به یک اتوبان، تأکید کرد و بر این نکته تأکید داشت که همان‌گونه که به دلیل تخلف یک راننده، کل اتوبان مسدود نمی‌شود، در فضای مجازی نیز باید با تخلف به شکل هدفمند برخورد کرد و از اعمال محدودیت گسترده پرهیز داشت. این موضع را می‌توان رویکرد دولت چهاردهم نسبت به فیلترینگ دانست که نشان می‌دهد محدودسازی اینترنت

تصویب مقررات الزام‌آور در حوزه فضای مجازی نیست و وظیفه آن بررسی موضوعات، ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌ها و ارائه نظر پیشنهادی و گزارش کارشناسی به رئیس‌جمهور است. به این ترتیب، ستاد ویژه در ساختار فعلی بیشتر نقش هماهنگ‌کننده و راهبر دولت را ایفا می‌کند و قرار نیست جایگزین شورای عالی فضای مجازی یا نهادهای موازی با آن باشد.

بازگشت اینترنت؛ نخستین گام ستاد

اگرچه مأموریت ستاد به موضوع اینترنت محدود نمی‌شود اما محدودیت‌های دسترسی به اینترنت بین‌الملل و نحوه مدیریت فضای مجازی از مهم‌ترین موضوعاتی بود که این ستاد از ابتدای فعالیت با آن مواجه شد و در نهایت به بازگشت شرایط اینترنت کشور به پیش از ۱۸ دی ماه رای داد؛ تصمیمی که به رئیس‌جمهور ارایه شد و رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی آن را ابلاغ کرد.

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در جلسات این ستاد همواره بر ضرورت تعیین تکلیف وضعیت اینترنت تأکید کرده و حل این مسئله را از مطالبات

بین‌الملل در اولویت قرار دارد و یا اینکه بناست جامعه با مواهب اینترنت خداحافظی کند.

به همین سبب و در شرایطی که بازگشایی اینترنت به یکی از مسایل مدیریتی پساچنگ تبدیل شده بود، رئیس‌جمهور به محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور دستور تشکیل «ستاد ساماندهی و راهبری فضای مجازی» را داد تا ضمن بررسی شرایط فضای مجازی، میان الزامات امنیتی و نیازهای ارتباطی، اقتصادی و اجتماعی کشور تعادل ایجاد کند.

در حکم رئیس‌جمهور پزشک‌بان موضوعاتی همچون ایجاد انسجام میان دستگاه‌ها، هماهنگی سیاست‌ها و اقدامات، جلوگیری از موازی‌کاری، تدوین نقشه راه تحول در حکمرانی فضای مجازی و بازآرایی ساختارهای تصمیم‌سازی مورد توجه قرار گرفت.

در ابتدای تشکیل این ستاد برخی آن را موازی‌کاری با شورای عالی فضای مجازی قلمداد کردند؛ شورایی که اعضای آن بر اساس حکم رهبر معظم انقلاب، مسئولیت سیاست‌گذاری کلان فضای مجازی را برعهده دارد و حتی برخی به دیوان عدالت اداری شکایت کردند اما در نهایت مشخص شد که این ستاد ویژه مرجع مستقلی برای

طرح نو؛ گروه گزارش

تشکیل «ستاد ساماندهی و راهبری فضای مجازی» را می‌توان تلاش دولت چهاردهم برای ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های متعدد فعال در این حوزه و تقویت نقش دولت در سیاست‌گذاری و مدیریت فضای مجازی دانست که در همین مدت کوتاه فعالیت توانسته نقش خود را به عنوان یک مجموعه نخبگانی و تصمیم‌ساز ارتقا دهد.

فضای مجازی در سال‌های اخیر به یک حوزه چندلایه حکمرانی در کشور تبدیل شده است که قوای سه‌گانه و دیگر نهادهای حاکمیتی در آن دخیل هستند بطوری که دستگاه‌های مختلف از وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات گرفته تا نهادهای امنیتی، فرهنگی و قضایی، هر یک بخشی از مسئولیت‌ها را برعهده دارند.

تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و مجری، در کنار اختلاف دیدگاه دستگاه‌ها و کارشناسان درباره نحوه مدیریت اینترنت، فیلترینگ و فعالیت سکوها خارجی در سال‌های اخیر موجب شده است تا موضوع حکمرانی فضای مجازی با چالش هماهنگی میان دستگاه‌ها همراه با چالش هماهنگی میان دستگاه‌ها همراه باشد.

این چالش پس از اعلام آتش‌بس در جنگ تحمیلی سوم نمود بیشتری یافت به طوری که برقراری مجدد اینترنت بین‌الملل با اما و اگرها، اختلاف نظرها و بعضاً مخالفت برخی دستگاه‌ها روبرو شد؛ همین اختلافات رئیس‌جمهور را بر آن داشت تا به معاون اول خود دستور تشکیل ستادی ویژه را بدهد تا با ایجاد یک سازوکار هماهنگ‌کننده، ضمن استفاده از ظرفیت دستگاه‌های مختلف، از موازی‌کاری و تصمیم‌های پراکنده جلوگیری شود.

البته باید اذعان کرد که ضرورت تشکیل این ستاد موضوعی فراتر از محدودیت‌های اینترنتی معمول بود؛ شرایط پیش‌آمده در کشور به دلیل وقوع جنگ تحمیلی و با هدف حفظ زیرساخت‌های حیاتی و تهدیدهای امنیتی و سایبری، تصمیم‌گیران را به سمت قطع اینترنت بین‌الملل سوق داده بود اما پیامدهای آن به اقتصاد دیجیتال، کسب و کارهای آنلاین، ارتباطات خانوادگی، دسترسی مردم به فضای مجازی و آموزش نیز تسری یافته بود و رایای خدمات مبتنی بر اینترنت را با اختلال روبرو کرده بود.

اگرچه مردم شرایط امنیتی ناشی از جنگ تحمیلی را درک می‌کردند اما با اعلام آتش‌بس، بازگشت اینترنت به مطالبه اصلی مردم تبدیل شد و حتی این پرسش را در افکار عمومی ایجاد کرد که آیا اتصال مجدد به اینترنت

در باب مفهوم وحدت در کثرت ایرانی؛

راز ماندگاری یک ملت کهن در دل چندصدایی فرهنگی

طرح نو؛ سردبیر

هویت ملی ایرانی، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان که فراورده‌های متأخر عصر مدرن و محصول مرزکشی‌های سیاسی سده‌های اخیرند، شالوده‌ای بس کهن دارد. این شالوده، نه از یک واقعه، انقلاب یا قرارداد تاریخی، که از تجربه‌ی چند هزارساله‌ی هم‌زیستی، تمدن‌سازی و تعامل اقوام و فرهنگ‌های گوناگون برخاسته است. در همین جاست که تفاوت بنیادین ایران با «ملت‌های مدرن» عیان می‌شود. و آن این که ایران به‌جای اینکه از بیرون و بر اساس یک منافع لحظه‌ای ساخته شود، از درون و بر پایه‌ی یک روح مشترکِ تاریخی شکل گرفته است. نکته‌ی محوری در این هویت، نسبت آن با کثرت‌هاست. ایران در طول تاریخ نه نفی‌کننده‌ی تفاوت‌های درونی خود، بلکه نگه‌دارنده و هم‌زمان سامان‌دهنده‌ی آن‌ها بوده است. زیرمجموعه‌های متنوع زبانی، فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی، هرگز به‌منابه اجزای بیگانه یا حذف‌شدنی دیده نشده‌اند؛ بلکه همچون اجزایی نسبت به یک کل، جزئیّت خود را حفظ کرده و هم‌زمان در کلیّت ملی به مرتبه‌ای بالاتر از هویت ارتقا یافته‌اند. این یعنی همان «وحدت در کثرت» که رمز ماندگاری تمدن ایرانی در برابر موج‌های پی‌درپی مهاجرت، تهاجم و تحول تاریخی است.

وحدتی درهم‌بافته؛ نه تجمعی شکننده از اقوام بیگانه
برای درک این وحدت پیچیده، باید از تصورات ساده‌انگارانه فراتر رفت. ایرانِ مدرن وحدتی است که در دل خود، کثرت‌های اجتماعی درهم‌بافته‌ای مانند ترکیب‌هایی از علایق فردی، هویت‌های مدنی-شهری، تفاوت‌های ناحیه‌ای، تنوع مذهبی، آداب و رسوم فرهنگی محلی، زبان‌ها و گویش‌های بومی و بسیاری اجزای غیرسیاسی دیگر را جای داده است. این کثرت‌ها در کنار هم در هم تنیده شده‌اند و در درون یک هویت سیاسی-فرهنگی واحد با نام هویت ملی ادغام گشته‌اند.

برای دریافت عمق این مفهوم، به قیاسی شیمیایی می‌توان توسل جست؛ ترکیب دو عنصر کُلُر و سدیم، هر یک از این دو، به‌تنهایی ماده‌ای مضر و نابه‌کار برای بدن انسان است؛ اما از امتزاج آن‌ها ماده‌ای پدید می‌آید که زندگی بدون آن ممکن نیست؛ یعنی نمک خوراکی. و این‌جا نکته‌ی ظریف ماجرا این است که نمک طعام را هرگز نمی‌توان از رهگذر تجزیه‌ی اجزاء منفرد آن شناخت. ویژگی‌های کلر یا سدیم هیچ‌گاه توضیح‌دهنده‌ی خاصیت حیات‌بخش نمک نیستند. هویت ملی ایرانی نیز دقیقاً چنین است! وحدتی که درون خود کثرت‌ها و تنوعات را دارد، اما هم‌زمان روحی استعلایی است که شناخت آن از رهگذر تفکیک اجزاء درهم‌تنیده‌اش ممکن نیست. هر کس بخواهد با بریدن و تجزیه، این کل را بشناسد، در اصل، درست همان چیز ارزشمندی را از دست داده که به‌دنبال شناختش بود.

تفکیک کاذب؛ تلاشی برای انکار کلیّت ملی

در دهه‌های اخیر، روایت‌هایی پراکنده شده‌اند که می‌خواهند ایران را نه ملتی از شهروندان، بلکه «جامعه‌ای متشکل از اقوام» یا کشوری «کثیرالقوم» جلوه دهند؛ یعنی تجمعی ظاهراً طبیعی از چند واحد قومی مستقل که، جز پیوندی سطحی، هیچ پیوند استواری آن‌ها را به هم نمی‌پیوند. این روایت، درواقع، چیزی نیست جز بیانِ امروزی‌شده‌ی اصطلاح «کثیرالملله» در گفتار احزاب مارکسیستی سده‌ی گذشته؛ همان نگاهی که می‌خواست کلیّت ملی را به مسئله‌ای صرفاً قومی و طبقاتی فروبکشد.

این‌گونه تفکیک‌ها که خواسته یا ناخواسته در پی تجزیه‌ی کلیتی واحد و استعلا یافته هستند، سه آسیب بنیادین دارند: نخست، نادیده‌گرفتن واقعیت تاریخی هم‌زیستی که قرن‌هاست اجزای گوناگون را در عین حفظ پاره‌ای ویژگی‌های محلی، در مدنیت، فرهنگ و هویت ایرانی ادغام کرده است.

دوم، فروکاستن هویت غنی یک ملت به یک شاخص ساده‌ی زبانی یا قومی می‌است؛ در حالی که تفاوتِ یک لهجه یا گویش، هرگز نمی‌تواند بر مشترکات نیرومند جمعی سایه بیندازد. و سوم، ناشیگري روش‌شناختی آن است که تجزیه‌ی کل به اجزاء، دقیقاً راهی است که به‌جای شناخت، به نابودیِ موضوع شناخت می‌انجامد.

برای آزمون این ادعا کافی است به نزدیکی و اشتراک فرهنگی یک کرمانشاهی یا سندجی با یک اصفهانی، خراسانی، اهوازی یا اردبیلی بنگریم و آن را با تفاوتِ هر یک از این‌ها با یک شهروندِ کردِ سوری مقایسه کنیم؛ آن گاه به‌روشنی در می‌یابیم که اشتراکاتِ درونیِ ایرانیان، از مرز زبان و لهجه فراتر رفته و در لایه‌های عمیق‌تری از ارزش‌ها، نگرش‌ها، آداب، ادبیات و احساس تعلّق ملی ریشه دوانده است. ایرانِ امروز، ادامه‌ی همان ایده‌ی کهنِ وحدتِ کثرت‌هاست؛ ایده‌ای که هر بار دشمنان آن در پی تجزیه برآمده‌اند، با قدرتِ تاریخ و هم‌زیستی، آن‌ها را به پس‌زمینه رانده است.

نیم نگاهی به کتاب «دونمه‌ها؛ یا مسلمان شدگان سالونیک»؛

«دونمه‌ها» و نقش آنها در ایجاد «پان‌ترکیسم»



می‌کردند. مسلمان شدن یهودیان در طول تاریخ به منظور خاصی بود. بیشتر مورخین اعتقاد دارند که مسلمان‌شدگان یهودی یک گروه ریاکار بودند و مسلمان شدن آنها از روی صداقت قلبی نبود چون که یهودیان واقعی در طول تاریخ از دینشان برنمی‌گشتند. علیرغم اینکه بیشتر یهودیان در اسپانیا و روسیه تزاری و در بیزانس به قتل می‌رسیدند و یا شکنجه می‌شدند از دینشان برنگشتند و بیشتر به مهاجرت تن دادند تا ترک دین.»

در قرن نوزدهم اعتقاد و برگشت به سرزمین موعود یهودیان را رها نکرده بود. این دفعه با تجارب جنگ‌های صلیبی و آزمون و خطاهای جنگ‌های قرون گذشته، یهودیان را به این نتیجه رسانده بود که مسلمانان مانع بزرگی برای برگشت به سرزمین موعود هستند آنها قادر نبودند از طریق جنگ مسلمانان را از جلو راهشان بردارند، لذا عقل جمعی یهودیان در خفا بر این قرار گرفت که برای رسیدن به قدس، تلاشی کردن و از میان برداشتن امپراتوری عثمانی که نمایندگی خلیفه مسلمان را دارد لازم و ضروری است، اما نه از طریق جنگ بلکه، تهی کردن گروه‌ها از هویت اسلامی در درون امپراتوری عثمانی را می‌طلبید. یهودیان تا آخر قرن نوزدهم از مهاجرت به ارض موعود ناکام ماندند. قرن نوزدهم در امپراتوری عثمانی قرن تنظیمات و اصلاحات نامیده شده است. از سال ۱۸۰۸ تا سال ۱۸۳۹ گام‌هایی در جهت اصلاحات برداشتنند ولی این اصلاحات به سامان نرسید. از سال ۱۸۳۹ تا سال ۱۸۷۶ دوره تنظیمات در زمان عبدالمجید و برادرش عبدالعزیز استمرار یافت. عبدالمجید در سال ۱۸۶۱ درگذشت و دوره تنظیمات هم مشکلات پیچیده‌ی امپراتوری عثمانی در حال گذر از سنت به مدرنیته را حل نکرد. در این زمان بود که یهودیان در اروپا گرایشات صهیونیستی برای تحقق آرمان‌های خود (برگشت به سرزمین موعود) را شتاب بخشیدند و سعی می‌کردند که سلطان عثمانی را متقاعد سازند تسهیلاتی جهت مراجعت یهودیان به فلسطین را فراهم سازد، اما در این مورد با پاسخ منفی سلطان عبدالمجید مواجه شدند. حتی ملاقات تودور هرتصل با سلطان عثمانی در سال ۱۸۹۶ گشایشی در کار یهودیان ایجاد نکرد و سلطان عبدالمجید راضی نشد که یهودیان جای پای در فلسطین داشته باشند.

تا قبل از تشکیل کنفرانس صهیونیست‌ها در سال ۱۸۹۷ در شهر بال سوئیس اقدامات و ترندهای رهبران جامعه یهود حتی با پیشنهاد پرداخت میلیون‌ها لیره استرلینگ رشوه به عبدالمجید راه به جایی نبردند. بعد از کنفرانس بال، بار دیگر تلاش‌ها در راستای اهداف، یهودیان را با تهدید و طمع‌پس سلطان عبدالمجید پی می‌گرفتند. یک بار دیگر هرتصل در سال ۱۸۹۷ به سفیر آمریکا و به سفیر آلمان متوسل شده بودند که در این راه هم گشایش در کار یهودیان به عمل نیامد.

در سال ۱۹۰۱ یهودیان اروپا، فردی را جهت تماس با سلطان عبدالمجید پیدا کردند، این فرد امانوئل قراسو با پیشنهادات جذبدی جهت دیدار با سلطان عازم دربار شد. امانوئل قراسو از فراماسون‌های یهودیان مسلمان شده سالونیک و استاد محفل فراماسونری سالونیک بود که پایگاه‌های خود را در اختیار جمعیت اتحاد و ترقی قرار داده که جلسات سری خود را در آنجا برگزار می‌کردند. در نهایت امانوئل قراسو نتوانست به حضور سلطان بار یابد و پیشنهادتش را مبنی بر پرداخت بدهی سی و سه میلیون لیره طلای انگلستان و اهدای ناوگان ۱۲۰ میلیون فرانک طلا جهت حمایت از امپراتوری و وامی بدون بهره به مبلغ ۳۵ میلیون لیره طلا در اختیار امپراتوری قرار دهد و در عوض اینها، صهیونیست‌ها درخواست‌هایی از قبیل آزادی



انگلستان را صالح‌تر از عثمانی‌ها و امپراتوری روسیه برای سرپرستی آسیای میانه تشخیص داد. [۶]

دومین فرد یهودی اروپایی که در ایجاد و گسترش پان‌ترکیسم نقش بسزایی داشت لئون کاهون (۱۹۰۰ – ۱۸۴۱) فرانسوی بود. نوشته‌ها و گفتارهای او بیشتر الهام‌بخش گروه «ترکان جوان» بود که انقلاب سال ۱۹۰۸ با همکاری کمیته اتحاد و ترقی انجام داده بودند. کاهون بیشتر نوشته‌ها و کتاب‌هایش در حول محور برتری نژاد ترکان بود. کتاب «مقدمه‌ای بر تاریخ آسیای میانه» نوشته کاهون توسط نجیب عاصم ترجمه شد و مورد استفاده کمیته اتحاد و ترقی قرار گرفت. در این کتاب تمایلات توران‌گراییی و از شکوه و جلال مغولان ستایش‌ها شده است.

سومین فرد یهودی آرتورلملی دیوید (۱۹۱۱ – ۱۸۳۲) او یک یهودی انگلیسی بود. در کتابی که نوشته ثابت کرده که ترکان نژاد برجسته‌اند و بر غرب‌ها و مسلمانان و سایر ملل شرقی برتری دارند. برخی وی را به دلیل افکار و آثار شدید پان‌ترکیستی، آتش بیار معرکه می‌دانند. او در کتاب قواعد زبان ترکی از زبان و گویش‌های ترکی همراه با احترام و تحسین یاد می‌کند و نقش ترکان را در ایجاد تمدن جهانی می‌ستاید.

بعد از انقلاب ۱۹۰۸ گروه «ترکان جوان» با همکاری و پشتوانه‌ی کمیته‌ی اتحاد و ترقی که بیشتر اعضای آن را دونمه‌های یهودی تشکیل می‌دادند کانون‌ها و روزنامه‌هایی تاسیس کردند. در این کانون‌ها و نوشته‌های روزنامه‌ها، بحث غالب درباره پان‌ترکیسم و پان توانیسم بود. نویسندگان و گویندگان و شاعران بیشتر درباره پان‌ترکیسم مطالب می‌نوشتند و بحث می‌کردند و صنایع شعری و ادبی به طور گسترده در پیرامون این موارد بود.

یکی دیگر از آن اشخاصی که درباره پان‌ترکیسم احساس مسئولیت می‌کرد، شخص یهودی به نام «موشه کوهن» اهل سزر و یک پان ترکیست دو آتشه بود. موشه کوهن (۱۹۶۱ – ۱۸۸۳) یکی از چهره‌های شناخته شده و نفوذو پان‌ترکیسم بود و در موضوعاتی همچون عثمانی‌گری و پان‌ترکیسم و کمالیسم مقاله‌ها می‌نوشت و بحث می‌کرد. او یک روزنامه‌نگار میرز بود که اکثر مقالاتش را به زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسوی می‌نوشت. موشه کوهن معتقد بود که پان اسلامیسم و عثمانی‌گری را باید به دور انداخت.

یکی دیگر از این افراد که ایدئولوژی پان‌ترکیستی را تئوریزه می‌کرد ضیاگوک آلپ (۱۹۲۴ – ۱۸۷۶) بود. او یکی از اعضای کمیته‌ی اتحاد و ترقی و یکی از حامیان کمال آتاترک بود. او در کنوانسیون‌های سالانه کمیته اتحاد و ترقی چندین قطع‌نامه بنیی بر برانگیختن احساسات پان ترکیستی به تصویب رسانیده بود.

یهودهای دونمه‌های مسلمان که کانون‌های کمیته‌ی اتحاد و ترقی را به وجود آورده بودند، با زمینه‌سازی‌های فرهنگی و تاریخی و با سازماندهی ملیت‌چی‌های سکولار توانستند به جای امپراطور عثمانی یک دولت ملی‌گرا سر کار بیاورند و در سال ۱۹۱۸ باعث متلاشی شدن امپراطوری عثمانی شدند و با این دسیسه‌ها سرزمین و متصرفات اروپایی و اسلامی را که مدت ۵۰۰ سال در دست امپراطوری عثمانی بود از چنگ آنان خارج ساختند.

عبدالحمید امپراطور عثمانی که حاضر نبود حتی یک وجب از خاک فلسطین را به یهودی‌ها بدهد، اما فرزندان ناخلف ایشان، با وعده وعیدهای واهی یهودیان، علاوه بر این که صاحب «توران بزرگ» نشدند بلکه سرزمین‌های امپراطوری عثمانی و اسلامی را هم از دست دادند.

پی نوشت ها:

- خزران آرتور کستلر، دیپاچه چاپ دوم، دکتر محمدعلی موحد، ص ۱۰۰
- همان، ص ۱۷ – ۲۰
- حمید احمدی، ریشه های بحران در خاورمیانه، ص ۳۰۰. نقش یهود و قدرت های بین المللی در خلع سلطان عبدالمجید احمد درویش، ترجمه حجت اله جودکی، موسسه تاریخ معاصر
- حمید احمدی، ریشه های بحران در خاورمیانه.
- همان، ص ۲۲
- زندگی و سفرنامه های وامبری، ترجمه محمدحسین آریا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۲، صص ۳۴۹–۳۴۸

گزارش

زلزله در آستانه‌ی لیگ برتر در تبریز؛

«ربیعی» رفت؛ «نکونام» سرمربی تراکتور شد

سخت‌ترین مقطع ممکن بر عهده بگیرد.

میراث ربیعی؛ چرا این پایان، عجیب بود؟

محمد ربیعی با فلسفه‌ای مشخص و مبتنی بر سازماندهی دفاعی و ساختار تیمی منسجم به تبریز آمده بود. هواداران تراکتور که پس از فراز و نشیب‌های فصل گذشته در جست‌وجوی ثبات بودند، امید داشتند که ربیعی بتواند تیمی «مسئولیت‌پذیر» بسازد. اما خروج ناگهانی او، آن‌هم در فاصله ۹۶ ساعت مانده به سوت آغاز مسابقات، نشان‌دهنده شکافی عمیق در استراتژی‌های کلان مدیریت باشگاه است. تراکتور تبریز، همواره با «فشارهای انتظارات» شناخته شده است؛ جایی که صبر مدیریت با کوچک‌ترین تردیدی در مسیر موفقیت، به پایان می‌رسد.

ورود نکونام؛ قمار بزرگ در تبریز

جواد نکونام، سرمربی جدید تراکتور، با کوله‌باری از تجربیات متنوع وارد یادگار امام می‌شود. او که پیش از این سکان هدایت تیم‌های نساجی مازندران، فولاد خوزستان و استقلال تهران را در کارنامه دارد، اکنون با چالشی مواجه است که جنسش با تمام تجربیات قبلی متفاوت است. نکونام در فولاد، ساختار دفاعی مستحکمی ایجاد کرد و در استقلال، تحت فشارهای سنگین رسانه‌ای و مدیریتی، روزهای پرشنسی را پشت سر گذاشت. حضور نکونام در تراکتور، بیش از آنکه یک انتخاب فنی صرف باشد، یک «پیام سیاسی و مدیریتی» است. مدیریت تراکتور با انتخاب نکونام نشان داد که برای دستیابی به موفقیت‌های سریع و کوتاه‌مدت، به دنبال

مربی‌ای است که با «فشارهای حاشیه‌ای» بیگانه نباشد و بتواند در اتمسفر سنگین فوتبال تبریز، کنترل رختکن را در دست بگیرد. نکونام اکنون با تیمی مواجه است که پتانسیل ستاره‌محوری بالایی دارد و هوادارانش هیچ نتیجه‌ای جز قهرمانی یا قرار گرفتن در کورس رقابت را نمی‌پذیرند.

چه در انتظار تراکتور است؟

هواداران پرشور تبریزی در این میان بیشترین بلا تکلیفی را تجربه می‌کنند. از یک سو، تغییر مربی در فاصله ۴ روز تا شروع لیگ، فرصت آماده‌سازی تاکتیکی را از نکونام سلب کرده است. او در این فرصت اندک باید ساختار ذهنی تیم را با ایده‌های خودش همسو کند. از سوی دیگر، جواد نکونام به خوبی می‌داند که تراکتور، تیمی نیست که به مربی زمان «آزمون و خطا» بدهد. این جابه‌جایی، فصل جدیدی از «اقتصاد سیاسی فوتبال در تبریز» را رقم زده است. تراکتور نه تنها باید با رقبای جنگجی، بلکه باید با این پرسش بزرگ نیز مواجه شود که آیا ثبات، حلقه مفقوده‌ی این باشگاه است یا باید به همین تغییرات ضرب‌الاجلی برای تکان دادن بدنه تیم دل بست؟ پاسخ به این سؤال را تنها نتایج هفته‌های ابتدایی لیگ برتر روشن خواهد کرد. نکونام وارد میدانی شده است که لغزش در آن، نه تنها برای مربی، که برای آینده مدیریتی باشگاه نیز گران تمام می‌شود. فوتبال تبریز بی‌صبانه منتظر است تا ببیند آیا «نکونام» می‌تواند از این معبر باریک، به سلامت عبور کند یا این تصمیم عجیب، شروعی برای یک بحران دیگر خواهد بود؟



طرح‌نو؛ سردبیر

در دنیای فوتبال، «زمان‌بندی» گاهی از خود «نتیجه» تعیین‌کننده‌تر است. در حالی که تقویم فوتبال ایران تنها چهار روز تا آغاز هیجان‌انگیز لیگ برتر فاصله دارد و تمامی تیم‌ها آخرین قطعات پازل تاکتیکی خود را برای فصل پیش رو کنار هم می‌چینند، باشگاه تراکتور تبریز در تصمیمی غیرمنتظره و جنجالی، به همکاری خود با محمد ربیعی پایان داد. این جدایی که در سکوت و با سرعتی غیرمعمول صورت گرفت، ربیعی را واداشت تا شب گذشته تبریز را به مقصد تهران ترک کند و پرونده‌ای را که هنوز به نقطه اوج نرسیده بود، در میانه راه ببندد. این چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، تنها یک جابه‌جایی ساده در نیمکت نیست، بلکه یک «زلزله ساختاری» در اردوگاه سرخ‌پوشان تبریزی است. اما تراکتور در بازار پراشتاب مربیان، معطل نماند و بلافاصله با جواد نکونام به توافق نهایی رسید تا او سکان هدایت این تیم پرطرفدار را در

خبر

«افتخاری» نایب رئیس هیات ورزش های زورخانه ای

و کشتی پهلوانی آذربایجان شرقی شد

شد.مدیرکل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی در ابتدای این نشست، با تأکید بر جایگاه ارزشمند این رشته در ترویج فرهنگ پهلوانی، اخلاق و جوانمردی، اظهار کرد: ورزش زورخانه‌ای تنها یک رشته ورزشی نیست، بلکه بخشی از هویت، فرهنگ و اصالت ایرانی و اسلامی ماست و باید برای حفظ و گسترش آن از تمام ظرفیت‌های موجود بهره گرفت.مدیرکل ورزش و جوانان استان در پایان ضمن تبریک به نایب رئیس و عضو هیات رئیسه هیات ورزشهای زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی استان آذربایجان شرقی، ابراز امیدواری کرد با همکاری هیات، پیشکسوتان و خانواده بزرگ این رشته، شاهد ارتقای جایگاه ورزش باستانی استن



و تبریز در رقابت‌های ملی و بین‌المللی و گسترش فرهنگ پهلوانی در سراسر آذربایجان شرقی باشیم.

طرح‌نو؛ یونس نهاری

حسین افتخاری به سمت نایب رئیس هیات ورزش های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی استان آذربایجان شرقی منصوب شد طی مراسمی با حضور حبیب مقصودی مدیر کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی، جابر اسدلی سرپرست اداره ورزش و جوانان شهرستان تبریز و محمد مهمانی رئیس هیات ورزش زورخانه ای و کشتی پهلوانی استان، حسین افتخاری ضمن ابقاء در سمت رئیس هیات ورزش زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی شهرستان تبریز به سمت نایب رئیس و عضو هیات رئیسه هیات ورزشهای زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی استان آذربایجان شرقی منصوب

گزارش

باشگاه تراکتور؛ استعدادیاب یا استعدادسوز؟



طرح‌نو؛ مریم دالانی قدیم

باشگاه تراکتور سال‌هاست یکی از باشگاه‌های ریشه‌دار فوتبال ایران به شمار می‌رود؛ باشگاهی با هوادارانی میلیونی، ظرفیت‌های عظیم فوتبالی و منطقه‌ای که همیشه مملو از استعدادهای ناب بوده است. اما یک سؤال اساسی سال‌هاست بی‌پاسخ مانده: تراکتور واقعاً استعدادها را برای آینده خودش پرورش می‌دهد یا فقط آن‌ها را کشف می‌کند تا در نهایت تحویل دیگران بدهد؟

داستان از جایی عجیب می‌شود که بازیکنی در رده‌های پایه شناسایی می‌شود، وارد آکادمی تراکتور می‌شود، سال‌ها در این مجموعه آموزش می‌بیند، رشد می‌کند، پیراهن تراکتور را در رده‌های مختلف بر تن می‌کند و امید می‌رود روزی به تیم بزرگسالان برسد؛ اما درست در نقطه‌ای که باید ثمره این سرمایه‌گذاری به خود باشگاه بازگردد، سرنوشت دیگری برای او رقم می‌خورد.

بازیکن جوان، بدون اینکه فرصت واقعی برای حضور در تیم اصلی پیدا کند، راهی تیم دیگری می‌شود؛ گاهی با انتقالی که منفعت چندانی برای باشگاه ندارد و گاهی حتی بدون اینکه تراکتور بتواند از سرمایه‌ای که سال‌ها برای پرورش آن هزینه کرده، بهره‌ای برد.

اینجاست که این سؤال تلخ مطرح می‌شود:

آکادمی تراکتور بازیکن‌ساز است، اما تیم بزرگسالان چرا از بازیکن‌ساز بودن آن سود نمی‌برد؟

در فوتبال حرفه‌ای، آکادمی فقط محلی برای آموزش فوتبال نیست؛ آکادمی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است. باشگاهی که استعداد ۱۵ یا ۱۶ ساله‌ای را کشف می‌کند و چند سال برای رشد فنی و حرفه‌ای او هزینه می‌کند، باید در نهایت بتواند از این سرمایه در تیم اصلی استفاده کند یا حداقل در صورت انتقال، از منافع اقتصادی آن بهره‌مند شود.

اما اگر قرار باشد تراکتور استعدادها را کشف کند، مربیان آکادمی آن‌ها را پرورش دهند، امکانات باشگاه در اختیارشان قرار بگیرد و درست زمانی که آماده حضور در سطح حرفه‌ای می‌شوند، به راحتی از دست بروند، باید پذیرفت که یک جای کار ایراد دارد.

این دیگر استعدادیابی نیست؛ استعدادسوزی است.

استعدادسوزی همیشه به معنای نابود کردن یک بازیکن نیست. گاهی استعدادسوزی یعنی بازیکنی که می‌توانست سال‌ها برای تراکتور بازی کند، به دلیل نبود برنامه مشخص، فرصت بازی در تیم اصلی را پیدا نکند و مجبور شود برای اثبات خودش راهی تیم‌های دیگر شود.

چه بسیار بازیکنانی که در فوتبال پایه تراکتور درخشیده‌اند اما برای رسیدن به پیراهن تیم بزرگسالان، آن‌قدر پشت در مانده‌اند که در نهایت تصمیم به جدایی گرفته‌اند.

از سوی دیگر، وقتی باشگاه برای پست‌های مختلف به سراغ خرید بازیکن می‌رود، این پرسش جدی‌تر می‌شود که پس فلسفه وجودی آکادمی چیست؟

اگر قرار است در هر فصل چندین بازیکن جذب شوند، اما محصول آکادمی جایی در برنامه تیم اصلی نداشته باشد، آیا بهتر نیست باشگاه در سیاست‌های خود بازنگری کند؟ تراکتور نباید فقط معدن کشف استعداد باشد؛ باید معدن بهره‌برداری از استعدادهای خودش هم باشد. هوادار تراکتور حق دارد بپرسد چرا بازیکنی که از کودکی در این باشگاه رشد کرده، نمی‌تواند حتی یک فرصت واقعی

به‌خصوص اینکه فدراسیون باید علاوه بر انتخاب حریف مناسب شرایطی را فراهم کند که این مسابقات صرفاً جنبه پر کردن تقویم را نداشته باشند و بتوانند از نظر فنی به آماده‌سازی تیم کمک کنند.

نیمکت تیم ملی هنوز تعیین تکلیف نشده است

در کنار برنامه‌ریزی برای برگزاری بازی‌های دوستانه وضعیت سرمربی تیم ملی زنان نیز همچنان یکی از موضوعات بلا تکلیف فدراسیون فوتبال باقی مانده است. قرارداد مرضیه جعفری با تیم ملی فوتبال زنان ایران پس از پایان رقابت‌های جام ملت‌های آسیا به پایان رسید. با وجود این فدراسیون فوتبال تمایل زیادی به ادامه همکاری با این مربی دارد و جعفری همچنان یکی از گزینه‌های اصلی برای هدایت تیم ملی محسوب می‌شود. ادامه حضور جعفری روی نیمکت خاتون بم اما شرایط تعدید قرارداد او با تیم ملی را پیچیده کرده است. حضور همزمان در تیم باشگاهی و تیم ملی یکی از چالش‌های اصلی پیش روی فدراسیون برای ادامه همکاری با جعفری محسوب می‌شود؛ چرا که هنوز مشخص نیست فدراسیون فوتبال برای فصل جدید نیز حاضر به اعطای مجوز فعالیت همزمان او در تیم ملی و لیگ برتر باشد.

ماجرای دو شغله بودن جعفری؛ تصمیمی که این بار تکرار نمی‌شود؟

فدراسیون فوتبال سال گذشته با توجه به اهمیت رقابت‌های جام ملت‌های آسیا این امکان را فراهم کرد که مرضیه جعفری به‌صورت همزمان هدایت خاتون بم در رقابت‌های باشگاهی و تیم ملی را بر عهده داشته باشد؛

تصمیمی که در شرایط خاص آن مقطع و با توجه به اهمیت حضور تیم ملی در جام ملت‌ها اتخاذ شد. اما شرایط برای فصل جدید ظاهراً متفاوت است. فدراسیون هنوز تصمیمی برای اعطای این امتیاز به جعفری ندارد و یکی از مسائل اصلی در مسیر ادامه همکاری همین موضوع است. اگر قرار باشد جعفری همچنان در خاتون بم فعالیت کند باید دید آیا فدراسیون حاضر خواهد شد بار دیگر استثنا قائل شود یا این بار سیاست متفاوتی را در پیش خواهد گرفت.

فدراسیون باید پیش از فیفادی تکلیف نیمکت را روشن کند

در شرایطی که تنها چند هفته تا آغاز فیفادی باقی مانده تعیین تکلیف سرمربی تیم ملی اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. برگزاری دو مسابقه تدارکاتی بدون مشخص بودن وضعیت نیمکت نمی‌تواند شرایط ایده‌آلی برای برنامه‌ریزی آماده‌سازی تیم ایجاد کند. فدراسیون فوتبال حالا باید در کنار نهایی کردن مذاکرات با حریفان احتمالی تکلیف سرمربی تیم ملی را نیز مشخص کند. اگر قرار است همکاری با مرضیه جعفری ادامه پیدا کند باید مسئله حضور او در خاتون بم حل‌وفصل شود و اگر قرار نیست این همکاری ادامه داشته باشد فدراسیون باید هرچه سریع‌تر سرمربی جدید را معرفی کند. به این ترتیب فیفادی از ۳۰ شهریور می‌تواند برای تیم ملی زنان ایران نقطه شروع دوباره‌ای باشد. شروعی که البته پیش از هر چیز نیازمند تعیین تکلیف نیمکت، برنامه‌ریزی دقیق و انتخاب حریفانی است که بتوانند تیم ملی را برای رقابت‌های آینده به معنای واقعی محک بزنند.

تیم ملی زنان در انتظار فیفادی؛ دو بازی تدارکاتی و یک سؤال درباره نیمکت

گزارش

طرح‌نو؛ گروه ورزش

تیم ملی فوتبال زنان در آستانه فیفادی شهریور هم به دنبال برگزاری دو بازی تدارکاتی است و هم باید تکلیف نیمکت و ادامه همکاری با مرضیه جعفری را مشخص کند.

آخرین حضور رسمی تیم ملی فوتبال زنان ایران به رقابت‌های جام ملت‌های آسیا برمی‌گردد مسابقاتی که اسفندماه سال گذشته به میزبانی استرالیا برگزار شد و تیم ملی نیز در این رقابت‌ها به میدان رفت. پس از پایان جام ملت‌ها اما برنامه تیم ملی وارد دوره‌ای از سکوت شد و در ادامه نیز با توجه به نبود فیفادی فرصتی برای برگزاری بازی‌های تدارکاتی و آماده‌سازی منظم این تیم فراهم نشد.

حالا با نزدیک شدن به فیفادی پیش‌رو فدراسیون فوتبال در تلاش است تا این وقفه را پایان دهد و برای تیم ملی زنان دو دیدار دوستانه و تدارکاتی در نظر بگیرد. دیدارهایی که می‌تواند بعد از ماه‌ها دوباره تیم ملی را در شرایط مسابقه قرار دهد.

فیفادی و برنامه برای دو بازی تدارکاتی

فیفادی پیش‌رو از ۳۰ شهریور آغاز می‌شود و فدراسیون فوتبال قصد دارد از این فرصت برای برگزاری دو مسابقه دوستانه برای تیم ملی زنان استفاده کند. البته برگزاری این دیدارها در ایران متفی است و در صورت نهایی شدن مذاکرات ملی‌پوشان برای انجام بازی‌های تدارکاتی راهی کشور حریف خواهند شد.

در همین راستا فدراسیون مذاکرات و رایزنی‌هایی را با چند کشور آغاز کرده است. روسیه، بلاروس، ازبکستان

و تاجیکستان از جمله گزینه‌هایی هستند که در برنامه فدراسیون قرار دارند و باید دید در نهایت مذاکرات با کدام کشور یا کشورها به نتیجه خواهد رسید. در میان این گزینه‌ها ازبکستان و روسیه می‌تواند از نظر سطح فنی و همچنین ایجاد یک محک جدی برای تیم ملی اهمیت بیشتری داشته باشند. با این حال هنوز هیچ‌کدام از این دیدارها قطعی نشده و فدراسیون باید در فرصت باقی‌مانده تا شروع فیفادی مذاکرات را به نتیجه برساند.



بازگشت به مستطیل سبز پس از چند ماه دوری

تیم ملی فوتبال زنان ایران بعد از جام ملت‌های آسیا عملاً در شرایطی قرار گرفت که مسابقه رسمی یا تدارکاتی قابل توجهی در برنامه نداشت. این در حالی است که فاصله طولانی میان مسابقات بدون انجام دیدارهای دوستانه می‌تواند شرایط آماده‌سازی تیم را دشوار کند. به همین دلیل برگزاری دو بازی در فیفادی پیش‌رو می‌تواند برای تیم ملی اهمیت زیادی داشته باشد؛

نشستم گوشه‌ای از سفرهٔ همواره رنگین



نشستم گوشه ای از سفرهٔ همواره رنگین
چه شوری در دلم افتاده از توصیف شیرین
به عابر ها تعارف می کنی دار و ندارت را
تو آن باغی که میریزد بهشت از روی پرچین
کرم یک ذره از سرشار ، سرشارِ صفت هایت
حسن یک دانه از بسیار ، بسیارِ عناوینت
دهان وا می کند عالم به تشویق حسین اما
دهانِ رحمه للعالمین واشد به تحسینت
تو دین تازه ای آورده ای از دید این مردم
که با یک گل کینزی می شود آزاد در دینت
معزالمومنین خواندن مذل المومنین گفتن
اگر کردند تحسینت اگر کردند نفرینت
برای تو چه فرقی دارد ای والتین و الزیتون
که می چینند مضمون آسمان ها از مضامینت
بگو با آن سفیرانی که هرگز بر نمی گشتند
فراخوانده خدا جبرائیل هایش را به تمکینت
بگو تا تیغ برداریم اگر جنگ است آهنگت
بگو تا تیغ بگذاریم اگر صلح است آیینت
خدا حیران شمشیر علی در بدر و خندق بود
علی حیران تیغ نهروانت تیغ صفتیت
بگو از زیر پایت جانماز این قوم بردارند
محبت کن! قدم بگذار بر چشم محبیت
تورا پایین کشیدند از سر منبر که می گفتند:
چرا پیغمبر از دوشش نمی آورد پایینت
درون خانه هم محرم نمی بینی تحمل کن
که می خواهند، ای تنها ترین تنها تر از اینت
تو غم های بزرگی در میان کوچه ها دیدی
که دیگر این غم کوچک نخواهد کرد غمگینت
از آن پایی که بر در کوفت بر دل داشتی داغی
از آن دستان سنگین بیشتر شد داغ سنگینت
سر راهت می آمد آنکه نامش را نخواهم برد
برای آنکه عمری تازه باشد زخم دیرینت
برای جاری اشکت سراغ چاره می گردی
که زینب آمده با چادر مادر به تسکینت
به تابوت تو حتی زهر خود را کینه خواهد ریخت
چه می شد مثل مادر نیمه شب بود تدفینت
صدایت می زند اینک یتیمت از دل خیمه
که اورا راهی میدان کنی با دست آمینت
هزاران بار جان دادی ولی در کربلا آخر
در آغوش برادر دست و پا زد جان شیرینت
کدامین دست دستِ کودک را بر زمین انداخت؟
نمک نشناس آن دستی که روزی بوده مسکینت
دعا کن زخم غم هایت بسوزاند مرا یک عمر
نصیبم کن نمک از سفرهٔ همواره رنگینت
شاعر: سید حمید رضا برقی

تو خودت حافظ من باش

در کنار تو وجودم بخدا نزدیک است
هر که نزدیک رضا شد بخدا نزدیک است
تو خودت حافظ من باش به یغما نروم
دام ابلیس به من در همه جا نزدیک است

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

فراخوان هفتمین جشنواره سراسری تئاتر خیابانی و فضای باز «تبریزیم» منتشر شد و گروه‌های نمایشی تا ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۵ فرصت دارند آثار خود را برای حضور در این جشنواره ارسال کنند.

هفتمین جشنواره سراسری تئاتر خیابانی و فضای باز «تبریزیم» به همت سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری تبریز از ۲۰ تا ۲۴ مهرماه ۱۴۰۵ در شهر تبریز برگزار خواهد شد.

بر اساس فراخوان منتشرشده، سقف پذیرش اعضای هر گروه در بخش مسابقه حداکثر شش نفر تعیین شده و دبیرخانه جشنواره در قبال نفرات اضافی هیچ‌گونه تعهد و مسئولیتی نخواهد داشت.

همچنین اسکان و پذیرایی گروه‌های منتخب بر عهده ستاد جشنواره خواهد بود و ارائه مجوز کتبی نویسنده برای آثار نمایشی الزامی است.

بر اساس ضوابط جشنواره، نمایش‌های شرکت‌کننده نباید پیش از این در هیچ‌یک از جشنواره‌های مطرح کشوری اجرا شده باشند. همچنین تکمیل و ارسال فرم

تقاضای شرکت در جشنواره به منزله پذیرش تمامی ضوابط اعلام‌شده خواهد بود.

نسخه تصویری آثار ارسالی نیز باید از کیفیت قابل قبول در بخش تصویر و صدا برخوردار باشد و مسئولیت کیفیت نسخه تصویری و کامل بودن مدارک ارسالی بر عهده متقاضی است.

ستاد برگزاری جشنواره مسئولیتی در قبال تهیه سیستم



صوتی، دکور، آکسسوار، وسایل گریم، لباس و سایر تجهیزات مورد نیاز گروه‌ها نخواهد داشت.

بر اساس این فراخوان، متقاضیان بخش مسابقه و بخش ویژه باید فرم تکمیل‌شده تقاضای حضور در جشنواره، خلاصه‌ای از سوابق هنری کارگردان و گروه نمایش، طرح و ایده نمایش در یک صفحه A۴، چهار نسخه لوح فشرده حاوی فایل تصویری اجرای نمایش و

فراخوان هفتمین جشنواره سراسری تئاتر خیابانی و فضای باز «تبریزیم» منتشر شد

سه قطعه عکس از اجرای نمایش به همراه عکس پرسنلی کارگردان را در قالب لوح فشرده به دبیرخانه ارسال کنند. سایر مدارک مورد نیاز پس از پذیرفته شدن اثر از متقاضیان دریافت خواهد شد و به مدارک ناقص یا مدارکی که پس از مهلت مقرر به دبیرخانه جشنواره ارسال شوند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مهلت دریافت آثار هفتمین جشنواره سراسری تئاتر خیابانی و فضای باز «تبریزیم» تا ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۵ تعیین شده و فهرست آثار برگزیده چهارم مهرماه اعلام خواهد شد.

این جشنواره از ۲۰ تا ۲۴ مهرماه ۱۴۰۵ در شهر تبریز برگزار می‌شود.

دبیرخانه جشنواره «تبریزیم» در آذربایجان شرقی، تبریز، بلوار دکتر حسابی، پردیس هنر و رسانه، سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری تبریز مستقر است.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به تارنمای جشنواره به نشانی <https://farhang.tabriz.ir/> مراجعه کنند.

یکی از مרגبارترین قحطی‌های تاریخ را بهتر بشناسیم

بتواند به راحتی با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کند. خواننده همراه ایلی، مایکل و پگی گرسنه می‌شود، از خطر می‌ترسد، برای پیدا کردن خانواده امیدوار می‌ماند و هر بار که روزنه‌ای از امید پیدا می‌شود، نفسی به آسودگی می‌کشد.

در کنار این، نویسنده از دل داستان، اطلاعات تاریخی ارزشمندی نیز به مخاطب منتقل می‌کند؛ از وضعیت نوانخانه‌ها گرفته تا آشپزخانه‌های عمومی، شیوع بیماری، مهاجرت مردم، نابودی روستاها و پیامدهای اجتماعی قحطی. اما این اطلاعات هرگز به شکل مستقیم و آموزشی بیان نمی‌شوند، بلکه در تار و پود داستان تنیده شده‌اند و همین موضوع، جذابیت روایت را دوچندان کرده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه کتاب، نثر روان و بی‌تکلف آن است. ماریتا کانلن مک‌کنا بدون استفاده از پیچیدگی‌های زبانی، فضایی خلق می‌کند که برای نوجوانان کاملاً قابل فهم و در عین حال تأثیرگذار است. او از توصیف‌های طولانی و خسته‌کننده پرهیز می‌کند و با صحنه‌هایی کوتاه اما دقیق، رنج، ترس و امید شخصیت‌هایش را به تصویر می‌کشد.

ترجمه محبوبه نجف‌خانی نیز نقش مهمی در انتقال این فضا به مخاطب فارسی‌زبان داشته است. ترجمه‌ای روان که ضمن حفظ لحن داستان، خواننده را بدون وقفه در جریان روایت نگه می‌دارد و اجازه می‌دهد احساسات شخصیت‌ها به خوبی منتقل شود. «زیر درخت زالزالک» همچنین نشان می‌دهد که ادبیات نوجوان می‌تواند در کنار سرگرم‌کننده بودن، بستری برای آشنایی با مهم‌ترین رخدادهای تاریخی جهان نیز باشد. نوجوانی که این رمان را می‌خواند، علاوه بر دنبال کردن یک داستان پرکشش، با یکی از تلخ‌ترین فجایع تاریخ اروپا نیز آشنا می‌شود؛ بی‌آنکه احساس کند در حال مطالعه یک کتاب تاریخی است.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

بچه‌ها چیزی را که می‌دیدند و می‌شنیدند، باور نمی‌کردند. با آنکه بدنشان مثل چوب خشک شده بود و درد می‌کرد، اما هنوز هم باید دولا دولا راه می‌رفتند. بالاخره به کلیه مری کیت رسیدند. مری کیت آن‌ها را توی کلیه هل داد و زود در را پشت سرشان بست.

وقتی از هوای روشن بیرون وارد کلیه تاریک شدند، چشم‌هایشان سیاهی رفت، ولی بعد از مدتی کم کم به تاریکی عادت کردند.

یک دفعه، مری کیت آن‌ها را در آغوش گرفت. بچه‌ها تمام ماجرا را برایش تعریف کردند و گفتند که چطوری فرار کرده‌اند تا به نوانخانه نروند. او با شنیدن ماجرای آن‌ها اول تعجب کرد و بعد، از شجاعتشان تعریف کرد. وقتی آن‌ها حرف می‌زدند، مری کیت آب و پارچه آورد و زخم و خراش‌های بدنشان را تمیز کرد. بعد، کمی پماد روی زخم‌هایشان مالید. پماد بوی بسیار زننده‌ای داشت، بوی کی چیز گندیده. اما بعد از دو سه دقیقه، تمام درد و سوزش بدنشان آرام گرفت.

کتاب «زیر درخت زالزالک» نوشته ماریتا کانلن مک‌کنا و با ترجمه محبوبه نجف‌خانی در ۱۴۲صفحه و از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.



همدلی کند. همین سادگی و صداقت، باعث شده داستان تأثیرگذاری بیشتری پیدا کند.

از سوی دیگر، روایت ماجرا از زاویه دید کودکان، سبب می‌شود مخاطب نه‌تنها وقایع تاریخی را دنبال کند، بلکه احساسات شخصیت‌ها را نیز به خوبی درک کند؛ ترس از تهایی، دلنگی برای خانواده، امید به آینده و تلاشی که برای زنده ماندن انجام می‌دهند، همگی در تار و پود داستان تنیده شده‌اند و خواننده را تا پایان با خود همراه می‌کنند.

سفری که فقط برای زنده ماندن نیست

اگرچه «زیر درخت زالزالک» در نگاه نخست داستانی درباره فرار سه کودک از گرسنگی و نوانخانه است، اما هرچه روایت پیش می‌رود، مشخص می‌شود که نویسنده هدفی فراتر از روایت یک سفر ماجراجویانه دارد. مسیر ایلی، مایکل و پگی در حقیقت سفری برای حفظ خانواده، هویت و امید است؛ سفری که هر ایستگاه آن، آزمونی تازه برای شخصیت‌ها رقم می‌زند.

ماریتا کانلن مک‌کنا در طول داستان، خواننده را با انسان‌های گوناگونی روبه‌رو می‌کند؛ افرادی که هر کدام نماینده بخشی از جامعه بحران‌زده ایرلند هستند. برخی با وجود فقر و تنگدستی، اندک دارایی خود را با دیگران تقسیم می‌کنند و برخی دیگر، در شرایط دشوار، تنها به فکر نجات خود هستند. همین تضادها باعث می‌شود داستان از یک روایت ساده کودکانه فاصله بگیرد و تصویری واقعی از جامعه‌ای ارائه دهد که زیر فشار قحطی، چهره‌های متفاوت انسان‌ها را آشکار کرده است.

در بخش‌هایی از کتاب، مهربانی شخصیت‌هایی مانند مری کیت، که با وجود زندگی ساده و فقیرانه، زخم‌های کودکان را درمان می‌کند و برای آن‌ها سرپناهی فراهم می‌آورد، نقطه امیددی در دل روایت تلخ داستان است. نویسنده با چنین شخصیت‌هایی یادآوری می‌کند که حتی در تاریک‌ترین روزهای تاریخ نیز، انسانیت از میان نمی‌رود.

تاریخ، این بار از چشم کودکان

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت این رمان، زاویه دید آن است. نویسنده به جای آنکه قحطی بزرگ ایرلند را از نگاه سیاستمداران، فرمانروایان یا مورخان روایت کند، آن را از چشم کودکانی نشان می‌دهد که هنوز معنای بسیاری از اتفاقات را نمی‌دانند، اما سنگینی پیامدهای آن را با تمام وجود احساس می‌کنند.

همین زاویه دید باعث شده مخاطب نوجوان

نویسنده در این اثر، به جای آنکه تاریخ را در قالب اطلاعات خشک و رسمی بیان کند، آن را در دل یک داستان پرکشش قرار می‌دهد؛ داستانی که مخاطب نوجوان را از همان صفحات نخست با خود همراه می‌کند و او را قدم‌به‌قدم در مسیر دشوار شخصیت‌های اصلی پیش می‌برد.

سه کودک در برابر قحطی

قهرمانان داستان، سه خواهر و برادر به نام‌های ایلی، مایکل و پگی هستند؛ کودکانی که زندگی آرامشان با گسترش قحطی از هم می‌پاشد. خانواده آن‌ها نیز مانند هزاران خانواده دیگر، قربانی گرسنگی و نابودی محصولات کشاورزی می‌شود و ناگهان پدر و مادرشان ناپدید می‌شوند. حالا سه کودک باید تصمیمی بگیرند که آینده‌شان را رقم می‌زند.

بزرگ‌ترین ترس آن‌ها، فرستاده شدن به نوانخانه است؛ جایی که برای بسیاری از کودکان آن روزگار، به معنای جدایی از خانواده، سختی، کار اجباری و آینده‌ای نامعلوم بود. به همین دلیل، تصمیم می‌گیرند پیش از آنکه دیر شود، فرار کنند و راهی سفری شوند که مقصدش خانه خاله‌هایی است که تنها از خلال قصه‌های مادر درباره آن‌ها شنیده‌اند.

این تصمیم، آغاز سفری طولانی و پرخطر است؛ سفری که در آن هر قدم، آزمونی تازه برای کودکان به شمار می‌رود. گرسنگی، خستگی، بیماری، بی‌پناهی و ترس، لحظه‌ای آن‌ها را رها نمی‌کند، اما امید به یافتن خانواده، انگیزه‌ای است که آن‌ها را به ادامه مسیر وامی‌دارد.

در بسیاری از رمان‌ها، شخصیت منفی داستان یک انسان است؛ اما در «زیر درخت زالزالک»، مهم‌ترین دشمن شخصیت‌ها، گرسنگی است. نویسنده به شکلی ملموس نشان می‌دهد که چگونه نبود غذا، آرام‌آرام توان جسمی و روحی انسان را تحلیل می‌برد و او را به مرز ناامیدی می‌رساند.

کودکان داستان بارها برای یافتن لقمه‌ای نان یا اندکی غذا مسیر خود را تغییر می‌دهند، از خطر عبور

می‌کنند و با انسان‌های مختلف روبه‌رو می‌شوند. در این میان، نویسنده تصویری واقعی از جامعه‌ای ارائه می‌دهد که در آن، برخی انسان‌ها با وجود تنگدستی، دست یاری به سوی دیگران دراز می‌کنند و برخی دیگر، تنها به فکر نجات خود هستند.

یکی از ویژگی‌های مهم کتاب این است که نویسنده از اغراق و احساساتی‌نویسی فاصله گرفته است. او رنج شخصیت‌ها را همان‌گونه که هست روایت می‌کند و اجازه می‌دهد مخاطب، خود با آن‌ها

شخصیت واقعی خود داشته باشد

شناسه آگهی: ۲۲۲۸۷۴۰

شماره: ۱۴۰۵/۱۰۴/۲۴/۲۵۴۲

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱-مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۵۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ مالکیت آقای بهنام پورقاسم مهرلو نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۵۳ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای مهرلو به مساحت ۱۰۲۵۹ مترمربع، انتقال مالکیت از خانم خورشید مهدی پور

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۵۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ مالکیت آقای بهنام پورقاسم مهرلو نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۵۳ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای مهرلو به مساحت ۶۹۱۰۳ مترمربع، انتقال مالکیت از خانم خورشید مهدی پور

۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۵۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ مالکیت آقای بهنام پورقاسم مهرلو نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۵۳ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای مهرلو به مساحت ۴۲۲۸.۶۶ مترمربع،انتقال مالکیت

شناسه آگهی: ۲۲۳۲۶۹۱

شماره:۱۴۰۵/۱۰۴/۲۴/۲۶۴۳

تاریخ:۱۴۰۵/۰۴/۲۹

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۸۴۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ مالکیت آقای طاه‌ا حبیبی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیقال به مساحت ۱۹۳۱.۱ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای ابراهیم حبیبی

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۸۴۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ مالکیت آقای بختیار حبیبی نسبت

شناسه آگهی: ۲۲۳۴۳۲۴

شماره: ۱۴۰۵/۱۰۴/۲۴/۲۳۰۵

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱-مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۵۲۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۰ مالکیت آقای امامقلی تاری علی یک‌کندی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۱۷ اصلی از بخش ۲۰ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای علی بیگ کندی به مساحت ۱۷۵۴۳.۸۴ متر مربع، انتقال مالکیت از آقای حبیب تاری

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۵۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۰ مالکیت آقای امامقلی تاری علی یک کندی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۱۷ اصلی از بخش ۲۰ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای علی بیگ کندی به مساحت ۶۷۰۶۸۳ متر مربع، انتقال

شناسه آگهی: ۲۲۲۷۶۱۶

شماره: ۱۴۰۵/۱۰۴/۲۴/۲۳۰۴

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۸۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ مالکیت آقای محمد جوادی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۵ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان، واقع در روستای ساری چمن به مساحت ۱۸۵۸.۳۱ متر مربع، انتقال مالکیت از آقای محمد رضا مجتهدزاده

۲-مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۸۸مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ مالکیت آقای محمد جوادی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۵ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای ساری چمن به مساحت ۳۶۹۶.۱۲ متر مربع، انتقال مالکیت از آقای محمد رضا مجتهدزاده

۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۸۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ مالکیت آقای محمد جوادی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۵ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای ساری چمن به مساحت ۷۰۱۸۰ متر مربع، انتقال مالکیت از آقای محمد رضا مجتهدزاده

۴- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۹۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ مالکیت آقای محمد جوادی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۵ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان

روزنامه طرح نو

از خانم خورشید مهدی پور

۴- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۷۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ مالکیت آقای بهنام پورقاسم مهرلو نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۵۳ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای مهرلو به مساحت ۲۴۲۶.۹۴ مترمربع،انتقال مالکیت از خانم خورشید مهدی پور

لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیر الانتشار محلی آگهی می‌شود تا در صورتیکه اشخاص حقیقی یا حقوقی به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات عملیات ثبتی ادامه و سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹

شهرام قره باغی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ورزقان

۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان

ورزقان واقع در روستای کیقال به مساحت ۱۰۵۶۸۹ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای ابراهیم حبیبی.

۵- مطابق رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۲۸۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیقال به مساحت ۸۳۴.۱۳ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای ابراهیم حبیبی

۶- مطابق رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۲۸۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

مسوول نشر آثار مشارکت زنان در دفاع مقدس آذربایجانغربی از چاپ و انتشار ۵۰۰ جلد کتاب با موضوع نقش و مشارکت زنان این استان در دوران دفاع مقدس خبر داد.
لیلا سپهری افزود: مراحل تدوین بخشی از این آثار از سال گذشته آغاز شده بود که امسال به پایان رسید.

وی افزود: این آثار در ۲ بخش شامل کتاب‌های مرتبط با کودکان و همچنین خاطرات و روایت‌های مادران، همسران و خواهران شهدا تدوین و منتشر شده‌اند.

مسوول نشر آثار مشارکت زنان در دفاع مقدس آذربایجانغربی ادامه داد: در میان آثار منتشرشده، ۲ جلد کتاب با محوریت کودکان و سه جلد نیز در حوزه تاریخ شفاهی قرار

مسوول نشر آثار مشارکت زنان در دفاع مقدس استان:

۵۰۰ جلد کتاب با موضوع نقش زنان آذربایجان غربی در دفاع مقدس منتشر شد

و افزود: انتشار این خاطرات می‌تواند نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و آشنایی نسل جدید با واقعیت‌های جنگ و فداکاری‌های شهدا داشته باشد.

وی همچنین از برنامه‌ریزی برای تولید مستندهایی درباره همسران شهدای این جنگ‌ها خبر داد و گفت: در این زمینه رایزنی‌هایی با نهادهایی از جمله حوزه هنری انقلاب اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی انجام شده و پیش‌بینی می‌شود این مستندها از شبکه‌های استانی و ملی پخش شوند.

آذربایجانغربی با ۶۸۶ زن شهیده، از استان‌های پیششار در این حوزه‌است و تدوین این دانشنامه تلاشی برای برجسته‌سازی نقش کمتر روایت‌شده زنان در جنگ به شمار می‌رود.

دارد که تلاش شده در آنها روایت‌های مستند و قابل اتکایی از نقش زنان در دوران دفاع مقدس ارائه شود.

سپهری همچنین از تدوین و انتشار کتاب خاطرات همسران شهدای «جنگ رمضان» و «جنگ ۱۲ روزه» خبر داد و گفت: این طرح، از برنامه‌های اولویت‌دار سال جاری است.
وی افزود: فرآیند تهیه، تدوین و چاپ این آثار در دستور کار قرار دارد و تلاش می‌شود با انجام مصاحبه‌های میدانی با همسران شهدا، روایت‌های مستند و دقیق از این مقاطع تاریخی ثبت شود.

مسوول نشر آثار مشارکت زنان در دفاع مقدس آذربایجانغربی هدف از اجرای این طرح را بازگویی رشادت‌ها و روایت روزهای جنگ رمضان و جنگ ۱۲ روزه عنوان کرد

روزنامه طرح نو

حقوقی به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات عملیات ثبتی ادامه و سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹

شهرام قره باغی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ورزقان

شماره: ۱۴۰۵/۱۰۴/۲۴/۲۶۴۰

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۱۷۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ مالکیت آقای سواد ولی زاده نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۳۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای چلناب به مساحت ۳۶۲۹.۵۱ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای قردشعلی ولی‌زاده

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۱۷۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ مالکیت آقای سواد ولی زاده نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۳۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای چلناب به مساحت ۲۴۲۶.۸۹ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای شکراله لطفی

شناسه آگهی: ۲۲۳۲۷۰۶

شماره: ۱۴۰۵/۱۰۴/۲۴/۲۶۴۷

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۳۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ مالکیت آقای فریدون لطفی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۴ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای قراچه ملک به مساحت ۱۰۶۶۰.۶۷ متر مربع، انتقال مالکیت از آقایان اکبر و کرم هر دو شهرتا لطفی.

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۳۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ مالکیت آقای فریدون لطفی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۳۴ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای قراچه ملک به مساحت ۶۵۰۳.۸۲ متر مربع، انتقال مالکیت از آقایان اکبر و کرم هر دو شهرتا لطفی.

۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۴۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ مالکیت آقای فریدون لطفی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۳۴ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای قراچه ملک به مساحت ۱۹۲۷.۳۷ متر مربع، انتقال مالکیت از آقایان اکبر و کرم هر دو شهرتا لطفی..

۴- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۱۳۴۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ مالکیت آقای فریدون لطفی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸

لینوگرافی و چاپ: پرنیان

خبر

«هزار سال سرو و سروش» در تبریز؛

طرح گرامیداشت هزارمین سال مقبره الشعرا به تصویب رسید



طرح نو؛ گروه شهری

در سیصد و سی و هفتمین جلسه رسمی شورای اسلامی شهر تبریز، طرح پیشنهادی حجت الاسلام رسول برگی با عنوان «هزار سال سرو و سروش» با قید یک فوریت مطرح و با رای قاطع ۱۳ عضو شورا به تصویب رسید. این طرح که با هدف گرامیداشت هزاره مقبره‌الشعرا و بازگرداندن جایگاه واقعی این گنجینه تمدنی به اطلس فرهنگی کشور تدوین شده، نخستین گام عملی برای احیای نمادهای تاریخی تبریز در سپهر ملی است. تبریز، شهر اولین‌ها، در آستانه رویدادی بزرگ برای بازخوانی هویت تاریخی خویش قرار گرفته است. با تصویب طرح «هزار سال سرو و سروش» در صحن علنی شورای شهر، شهرداری تبریز مکلف شد اقدامات لازم برای دریافت مجوزهای ملی و برگزاری مراسم بزرگداشت هزارسالگی مقبره‌الشعرا را آغاز کند.

رسول برگی، عضو شورای اسلامی شهر و طراح این پیشنهاد، در جریان دفاع از این طرح، ضمن ابراز گلایه از خالِ نمادهای هویتی تبریز در اسناد رسمی کشور، مقبره‌الشعرا را فراتر از یک آرامستان، «فرهنگی‌ترین نقطه

تلاقی ادبای جهان» توصیف کرد.

وی با اشاره به جایگاه رفیع این مکان تاریخی که مدفن چهره‌های درخشانی همچون اسدی طوسی، قطران تبریزی، همام تبریزی، شیخ محمد خیابانی و استاد شهریار است، تأکید کرد: اسدی طوسی نخستین فرد مدفون در این خاک نیست؛ بلکه این مکان بیش از هزار سال است که محفل ادب و فرهنگ بوده و حتی پیش از او نیز سرخاب، ملجأ اهالی فرهنگ بوده است.

این عضو شورای شهر با طرح پرسشی انتقادی خطاب به نهادهای سیاست‌گذار، نسبت به نبود نام و تصویر نمادهای اصیل تبریز (همچون ارک علیشاه، ربع رشیدی، بازار تبریز و مقبره‌الشعرا) در اسناد هویتی ملی مانند گذرنامه، انتقاد کرد و این موضوع را ناشی از ناتوانی در معرفی پتانسیل‌های فرهنگی این کهن‌شهر دانست.

برگی با بیان اینکه استاد شهریار به تنهایی ذهنیت جهانیان را نسبت به هویت آذربایجان تغییر داده است، تصریح کرد: ما دین بزرگی بر گردن داریم تا این ظرفیت عظیم را به دنیا نشان دهیم. برگزاری هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی ایران بود و اکنون «هزاره مقبره‌الشعرا» باید به یک رویداد ملی بدل شود.

با تصویب این طرح، انتظار می‌رود دستگاه‌های اجرایی ملی با نگاهی فراتر از مدیریت شهری، به مقبره‌الشعرا به عنوان یک دارایی معنوی و ارزشمند تمدن ایران‌زمین بنگرند و برای بازگرداندن سهم تبریز از حافظه تصویری و فرهنگی کشور، همراهی لازم را به عمل آورند.

طرح نو

رتبه ۲ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شهردار تبریز:

اتوبان ۷ کیلومتری ولایت تا سه ماه آینده به کرکج می‌رسد



عمرانی، بخشی از مطالبات و نیازهای ترافیکی شهروندان پاسخ داده شود.

شهردار تبریز تأکید کرد: مدیران و کارکنان شهرداری تبریز بدون توجه به حواشی، به صورت شبانه‌روزی در حال انجام وظایف و خدمت‌رسانی به شهر و شهروندان هستند و اولویت مدیریت شهری، پیشبرد پروژه‌ها و رفع مسائل و مشکلات شهر است. وی افزود: میثاق شهرداری تبریز با شهروندان، تلاش شبانه‌روزی، خدمت صادقانه و پیگیری مستمر برای توسعه و آبادانی شهر است.

گفتنی است اتوبان ۷ کیلومتری فرامنطقه‌ای ولایت، یکی از محوره‌ای مهم ارتباطی در شرق تبریز محسوب می‌شود که علاوه بر نقش ترافیکی، از ظرفیت‌های مهم پدافند غیرعامل در این محدوده برخوردار است. طی سال‌های گذشته بخش‌هایی از این مسیر از جمله پل ولایت و تقاطع غیرهمسطح نصر به بهره‌برداری رسیده و عملیات تکمیل سایر بخش‌های آن نیز در حال اجرا است

تقاطع آن تکمیل و به بهره‌برداری رسیده است و تلاش داریم با تداوم عملیات اجرایی، این مسیر تا سه ماه آینده به کرکج متصل شود.

شهردار تبریز با اشاره به اینکه تقاطع غیرهمسطح شهید حیدری یکی از سازه‌های مهم واقع در مسیر اتوبان ولایت است، یادآور شد: پل تقاطع غیرهمسطح شهید حیدری ۱۲۵ متر طول، ۴۵ متر عرض و ۹ پایه دارد و اجرای آن در راستای تکمیل کریدور شرقی شهر انجام می‌شود.

وی با اشاره به اجرای پروژه‌های کلان عمرانی در نقاط مختلف تبریز خاطرنشان کرد: پروژه‌های بزرگ و زیرساختی شهری به دلیل حجم عملیات و گستردگی کار، زمان‌بر هستند و همکاران ما در شهرداری با تمام توان در تلاش هستند روند اجرای این پروژه‌ها را تسریع کنند.

هوشیار ادامه داد: در این مسیر، از صوبری و همراهی شهروندان شریف تبریز قدردانی می‌کنیم و امیدواریم با تکمیل پروژه‌های

طرح نو؛ گروه شهری

شهردار تبریز از تکمیل و اتصال اتوبان ۷ کیلومتری ولایت به جاده تهران خبر داد و گفت: تلاش می‌کنیم این مسیر تا سه ماه آینده به کرکج برسد.

یعقوب هوشیار در بازدید از روند اجرایی تقاطع غیرهمسطح شهید حیدری اظهار کرد: پروژه ولایت یکی از پروژه‌های ترافیکی فرامنطقه‌ای تبریز است که طی سال‌های گذشته توسط شهرداری اجرا شده و نقش مهمی در بهبود شبکه حمل‌ونقل و ترافیک شرق شهر دارد.

وی افزود: اتوبان ولایت یکی از کریدورهای مهم شرق تبریز به شمار می‌رود که با تکمیل آن، امکان تسهیل تردد و کاهش بار ترافیکی در این محدوده فراهم شده و می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت ترافیک شهری ایفا کند.

هوشیار با اشاره به مشخصات فنی اتوبان ولایت تصریح کرد: طول این اتوبان ۷ کیلومتر است که طی سال‌های گذشته چندین پل و

استفاده از ۸۰۰ تن آسفالت برای بهسازی باند کندرو جاده ائل گلی

آسفالت ریزی اساسی، اقدام به رفع فرسودگی این مسیر کرده است.

به گفته هاشمی، برای آسفالت ریزی اساسی باند کندرو جاده ائل گلی در باندهای رفت و برگشت مسیر در دو لایه زیره و رویه و بهسازی میدان ائل گلی از حدود هشت هزارتن آسفالت استفاده می‌شود.

تاکنون از ۸۰۰ تن آسفالت استفاده شده است.

شهردار منطقه ۲ با اعلام اینکه آسفالت ریزی رویه باند کندرو جاده ائل گلی ادامه خواهد داشت افزود: با توجه به بیشترین تردد روزانه شهروندان و مسافران شهر تبریز از جاده ائل گلی به علت متنتی شدن آن به مجموعه تاریخی و تفریحی پارک ائل گلی، معاونت فنی و عمرانی منطقه ۲ با انجام

طرح نو؛ گروه شهری

شهردار منطقه ۲ گفت: از آغاز آسفالت ریزی (رویه) باند کندرو جاده ائل گلی تاکنون از ۸۰۰ تن آسفالت استفاده شده است. به گزارش امور ارتباطات، عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: از آغاز آسفالت ریزی شهری و کیفیت زندگی، تبریز چه تجربه‌ای برای ارایه کوی سهند تا اتوبان شهیدکسانی به اجرا درآمده،



تبریز؛ از شهر مقاومت تا پایتخت روایت توسعه



بسیاری از موارد، نه در یک بنای منفرد، بلکه در شبکه‌ای از نهادها، زیرساخت‌ها، اندیشه‌ها و رفتارهای جمعی تحقق می‌یابد. توسعه ممکن است در کارکرد یک مدرسه، نظم یک خیابان، کیفیت یک مدیریت شهری، دسترسی شهروندان به خدمات یا توانایی یک جامعه برای حل مسایل خود دیده شود؛ اما الزاماً یک نماد واحد و فراگیر ندارد.

از همین رو، توسعه در تبریز بیشتر در «کارکرد» حضور داشته تا در «نشانه». این شهر شاید در دوره‌هایی توانسته است مسیرهای نو را تجربه کند، اما هنوز نتوانسته تصویری روشن و معاصر از توسعه‌گرایی خود ارایه دهد؛ تصویری که هم برای شهروندان قابل لمس باشد و هم برای نسل‌های آینده الهام‌بخش.

افتخار نمودن به پیشینه تاریخی، زمانی ارزشمند است که به سرمایه‌ای برای ساختن آینده تبدیل شود. اما اگر گذشته تنها به موضوعی برای تکرار خاطرات و بازتولید عنوان «اولین بودن» تبدیل شود، نوعی خودشیفتگی تاریخی تلقی خواهد شد و در نهایت به رکود خواهد انجامید.

تبریز نباید صرفاً بگوید که در گذشته پیشگام بوده

در زمینه آموزش و پرورش نیز نام میرزا حسن رشدیه، به‌عنوان یکی از پیشگامان مدارس نوین، با تبریز گره خورده است. تلاش‌های او برای عبور از آموزش سنتی و پایه‌گذاری شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت، نشان می‌دهد که توسعه در تبریز صرفاً یک شعار یا ادعای تاریخی نبوده، بلکه در قالب نهادسازی و تغییر روش‌های اجتماعی ظهور کرده است.

از این منظر، تبریز را باید شهری دانست که در بسیاری از مقاطع، پیش از آن‌که توسعه به یک گفتمان عمومی در ایران تبدیل شود، آن را در عرصه عمل تجربه کرده است؛ شهری که گاه نخستین نشانه‌های تحول را در مدرسه، نهاد اجتماعی، جنبش سیاسی و سازمان شهری به نمایش گذاشته است.

اما پرسش مهم اینجاست که چرا با وجود چنین پیشینه‌ای، تبریز همچنان بیشتر با مقاومت شناخته می‌شود تا توسعه؟ شاید پاسخ را باید در ماهیت متفاوت این دو مفهوم جست‌وجو کرد. مقاومت معمولاً به نمادهایی ملموس و خاطره‌انگیز نیاز دارد؛ یک بنا، یک میدان، یک سنگر یا یک واقعه تاریخی می‌تواند نماینده آن باشد. اما توسعه در

را زنده نگه می‌دارند؛ اما در کنار آن‌ها باید نشانه‌ها و فضاهایی شکل بگیرد که نماینده دانش، فناوری، خلاقیت، زیست‌پذیری محیط‌شهری، نوآوری و مدیریت نوین شهری باشند.

نماد توسعه الزاماً یک سازه عظیم یا پروژه‌ای پرهزینه نیست. یک مرکز نوآوری موفق، یک شبکه حمل‌ونقل کارآمد، یک فضای عمومی باکیفیت، یک دانشگاه اثرگذار، یک محله پایدار یا حتی یک نظام شفاف و پاسخ‌گو در مدیریت شهری نیز می‌تواند به نماد توسعه تبدیل شود؛ به شرط آن‌که نتیجه‌ای ملموس در زندگی شهروندان داشته باشد.

شهرها زمانی هویت آینده‌نگر پیدا می‌کنند که بتوانند میان میراث و نوآوری، حافظه و برنامه، گذشته و آینده پیوند برقرار کنند. تبریز از این ظرفیت تاریخی و اجتماعی برخوردار است، اما این ظرفیت باید از سطح خاطره به سطح سیاست، برنامه و اقدام منتقل شود.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد، تبریز امروز در نقطه‌ای قرار دارد که باید میان دو تصویر از خود یکی را انتخاب کند: تصویری که آن را در گذشته، به‌عنوان شهر مقاومت و خاستگاه نخستین‌ها، متوقف شده‌است و تصویری که از این میراث برای ساختن آینده بهره می‌گیرد.

این شهر می‌تواند همچنان سنگر خاطره‌های تاریخی باقی بماند و در کنار آن به شهر روایت توسعه نیز بدل شود؛ شهری که نه‌فقط از گذشته خود سخن می‌گوید، بلکه در زمان حال نیز ایده‌های ناب و نوینی برای ایران دارد. تبریز برای بازتعریف جایگاه خود، به تکرار اختنارات گذشته نیاز ندارد؛ به بازتولید روحیه‌ای نیاز دارد که زمانی آن اختنارات را آفرید. اگر نسل‌های پیشین با شجاعت در برابر استبداد ایستادند و راه آموزش نوین و تحول اجتماعی را گشودند، نسل امروز نیز باید بتواند در برابر رکود، بی‌برنامگی و فرسودگی شهری بایستد و مسیر تازه‌ای برای توسعه بگشاید.

آینده تبریز زمانی آغاز می‌شود که این شهر از «شهر مقاومت» بودن فراتر رود و به «شهر روایت، تجربه و تحقق توسعه» تبدیل شود؛ شهری که ارک آن حافظ گذشته است، اما افقش رو به آینده دارد.

گزارش